

## تصویرشناسی هندیان در شاهنامه فردوسی

زهره علی احمدی

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی

z.aliahmadi69@gmail.com

### چکیده

«تصویرشناسی» یکی از حوزه‌های پژوهشی در ادبیات تطبیقی است که به مطالعه و بررسی تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در ادبیات یک کشور می‌پردازد. «تصویر دیگری» همواره یکی از مضامین جذاب در آثار ادبی محسوب می‌شود که نمود آن را می‌توان در آثار اسطوره‌ای و حماسی نیز یافت. فردوسی در شاهنامه ضمن پرداختن به هویت قوم ایرانی، از اقوام و ملل دیگری که با ایرانیان ارتباط داشته‌اند، نیز سخن به میان آورده است. در این جستار که بر پایه روش توصیفی، تحلیلی صورت گرفته است، به دنبال یافتن تصویرهای سیاسی، اجتماعی، مردم‌شناسی، مذهبی، جغرافیایی و اقتصادی هندیان در شاهنامه بوده‌ایم. ضمن انجام این پژوهش سعی در ارائه تصویری از هندیان داشته‌ایم و در خلال مباحث ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی فردوسی را نشان داده‌ایم. می‌توان گفت هندیان به دلیل کمترین درگیری سیاسی با ایرانیان چهره‌ی مثبت‌تری نسبت به سایر اقوام در شاهنامه داشته‌اند.



کلیدواژه‌ها: تصویرشناسی، شاهنامه فردوسی، هندیان، تصویر سیاسی.

### ۱. مقدمه

روابط اقوام با یکدیگر بر پایه تصویرهای ذهنی که از یکدیگر در ذهن دارند، شکل می‌گیرد و بررسی این تصویرها از صورت‌های گوناگون برعهده «تصویرشناسی»<sup>۱</sup> است. هر ملتی نسبت به ملت دیگر تصویری خاص در ذهن دارد که بازتاب آن تصویر را می‌توان در ادبیات آنها یافت.

«در حقیقت موضوع تصویرشناسی، مطالعه تصویر «دیگری»<sup>۲</sup> و به بیان دقیق‌تر «فرهنگ دیگری» و یا عناصر آن در ادبیات و هنر است. به عبارت دیگر، تصویرشناسی دانش و روشی است که در آن تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک دوره و مکتب مطالعه می‌شود» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۲۲).

«تصویر دیگری» از جمله موضوعات جذاب در ادبیات جهانی بوده است و این «دیگری» به صورت‌های گوناگون در آثار اسطوره‌ای و حماسی جهان تصویر شده است. شاهنامه فردوسی نیز از جمله آثار حماسی است که در آن تنها به تاریخ و گذشته سرزمین ایران و پادشاهان آن پرداخته نشده است، بلکه در این اثر از اقوام و ملل دیگری که به گونه‌ای با ایرانیان در ارتباط بوده‌اند، نیز سخن به میان آمده است.

تصویرسازی از «دیگری» همواره در مقایسه با خود صورت می‌گرفته است و آدمی با مطرح کردن «دیگری» و قضاوت درباره آن به صورت ناخودآگاه به دنبال شناخت خود نیز بوده است. از این روی می‌توان گفت فردوسی در شاهنامه ضمن پرداختن به اقوام و ملل بیگانه، به دنبال شناساندن بیشتر هویت قوم ایرانی در برابر بیگانگانی که خصوصیات متفاوته با آنها داشته‌اند، بوده است.

بنابراین هدف از پژوهش‌های تصویرشناسی، بررسی تصویر فرهنگ خودی در ادبیات دیگری یا فرهنگ دیگری در ادبیات خودی است. پس می‌توان نتیجه گرفت که در تصویرشناسی، همواره تصویرپردازی بینا فرهنگی مورد مطالعه است (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

<sup>۱</sup> Imagologie

<sup>۲</sup> Other

### ۱-۱ بیان مساله و سوالات تحقیق

در این پژوهش برآنیم که از منظر تصویرشناسی به بررسی و توصیف تصویر هندیان در شاهنامه فردوسی بپردازیم تا از این طریق هندیان را بهتر بشناسیم و به چگونگی ارتباط شان با ایرانیان برسیم. همچنین از طریق شناخت هندیان می‌توانیم به شناخت بهتری از خود نیز دست یابیم.

۱- فردوسی در شاهنامه از چه منظرهایی به هندیان نگریسته است؟

۲- ارزش‌گذاری فردوسی به هندیان در شاهنامه چگونه بوده است؟

### ۱-۲ اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از انجام این پژوهش ارائه تصویری از اقوام هندی در شاهنامه فردوسی است تا از طریق شناخت بهتر این قوم به چگونگی ارتباط شان با ایرانیان پی ببریم و از رهگذر شناخت هندیان، خود را نیز بشناسیم. با انجام این پژوهش به جایگاه هندیان در نزد ایرانیان آگاه می‌گردیم.

### ۱-۳ روش تفصیلی تحقیق

روش پژوهش در این جستار بر پایه روش «تصویرشناسی»، پژوهشی تحلیلی و توصیفی است که اطلاعات لازم آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این روش نخست ابیات مربوط به هندیان را استخراج و گردآوری می‌کنیم، سپس با استفاده از روش تصویرشناسی، تصویرهای سیاسی، مردم‌شناسی، اجتماعی، جغرافیایی، مذهبی و اقتصادی هندیان را تبیین می‌کنیم. در نهایت ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی فردوسی را در ابیات مورد نظر نشان می‌دهیم.

### ۱-۴ پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مورد استفاده ما در بررسی تصویر هندیان به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست پژوهش‌هایی که در ارتباط با تصویرشناسی است، دوم پژوهش‌های مرتبط با تصویرشناسی در دیگر متون ادب فارسی و سوم پژوهش‌هایی که منحصرأ به اقوام و ملل بیگانه در شاهنامه فردوسی پرداخته است. در پایان باید گفت که درباره تصویرشناسی هندیان در شاهنامه فردوسی بر پایه روش تصویرشناسی، پژوهشی صورت نگرفته است.

۱-۴-۱ پژوهش‌های مرتبط با تصویرشناسی عبارتند از:

- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۶)، «شگردهای تصویرسازی از دیدگاه ادبیات تطبیقی»، فصلنامه علامه، ش ۱۳، صص ۸۱-۷۵.

نویسنده در این مقاله به تعریف مفهوم تصویر و بیان شگردهای تصویرسازی پرداخته است.

- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تصویرشناسی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۲، صص ۱۳۸-۱۱۹.

مؤلف در این مقاله نخست به تعریف تصویرشناسی، اهداف آن و سپس به تقسیم‌بندی انواع تصویرپردازی در حوزه ادبیات تطبیقی پرداخته است.

- نانکت، لاتیسا (۱۳۹۰)، «تصویرشناسی به منزله خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی»، ترجمه مؤرده دقیقی، ادبیات تطبیقی ویژه‌نامه فرهنگستان.

نویسنده در این مقاله مباحث تئوری تصویرشناسی و مراحل پژوهش در آن را بیان کرده است.

۱-۴-۲ پژوهش‌های مرتبط با تصویرشناسی در دیگر متون ادب فارسی عبارتند از:

- آلبوغییش، عبدالله (۱۳۹۴)، «تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات جلال آل احمد»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ش ۱۹، صص ۲۵-۹.

نویسنده این مقاله تصاویر اعراب را در سفرنامه حج جلال آل احمد بررسی کرده است.

- قبول، احسان؛ رادمد، عبدالله؛ عابدی، تکتتم (۱۳۹۷)، «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن فضلان»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۳

نویسندگان این مقاله تصویر زنان ارائه شده از اقوام ترک، بلغار، ایران و روس را در سفرنامه ابن فضلان براساس روش تصویرشناسی بررسی کرده‌اند.

سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «تصویرشناسی سیمای شرق و غرب در شعر شوقی و بهار»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ش ۸، صص ۷۵-۵۱.

این مقاله تنها عنوان تصویرشناسی را دارد و برپایه روش‌شناسی این دانش گردآوری نشده و در آن به تقابل دو قطب شرق و غرب و تأثیر آن بر دو نویسنده فارسی و عرب، پرداخته شده است.

۳-۴-۱ پژوهش‌های مرتبط با اقوام و ملل بیگانه در شاهنامه فردوسی عبارتند از:

-جعفری، علی‌اکبر؛ پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «چین در شاهنامه»، متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۴، صص ۷۲-۵۹.

نویسندگان این مقاله جایگاه جغرافیایی چین و کاربرد آن را در شاهنامه بررسی کرده‌اند.

- شیوا، امید (۱۳۹۲)، «توران و تورانیان در شاهنامه فردوسی»، خراسان بزرگ، س ۴.

نویسنده در این مقاله تنها به دنبال معنا و نژاد و جغرافیای تورانیان بوده است.

- محسنی، مرتضی؛ ابوالحسنی، علی؛ تقوی، صدیقه (۱۳۹۵)، «تصویرشناسی «بیگانه» در شاهنامه با تکیه بر کلیشه‌پردازی»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ش ۱، صص ۱۴۷-۱۲۳.

نویسندگان در این مقاله به بررسی بیگانگانی که به واسطه ازدواج و یا رفتن ایرانیان به سرزمین آنها با ایرانیان ارتباط برقرار کرده‌اند، می‌پردازند و همه آنها را از نوع کلیشه‌های تاریخی می‌دانند.

- ناطق شریف، مریم (۱۳۸۰)، «پیوند ایران و هند در آیین شاهنامه»، نامه پارسی، ش ۴، صص ۳۵-۲۳.

نویسنده در این مقاله به چگونگی روابط، داد و ستدهای سیاسی، بازرگانی و فرهنگی میان ایران و هند در شاهنامه فردوسی پرداخته است.

## دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

### ۲. تصویرشناسی هندیان در شاهنامه فردوسی

«هند مشرق وی ناحیت چین است و تبت و جنوب وی دریای اعظم است و مغرب وی رود مهرانست و شمال وی ناحیت شکنان و بعضی از تبت و این ناحیتست بسیار نعمت و آبادان و بسیار پادشاهی و اندر وی شهرهای بسیارست و کوهست و بیابانست و دریاست و ریگ است» (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۶۴-۶۳).

#### ۱-۲ تصاویر سیاسی هندیان

##### ۱-۱-۲ روابط سیاسی - نظامی هندیان

سرزمین هند به عنوان مأوا و پناهگاهی امن برای ایرانیان و پهلوانان بزرگ ایران‌زمین بود. ایرانیان در مواقع خطر به هندوستان پناه می‌بردند تا آنجا که فرانک برای حفظ جان فرزندش فریدون از آسیب ضحاک به کوه البرز در هندوستان پناه برد و همچنین زال نیز توسط سیمرغ در البرزکوه هندوستان پرورش یافت. گشتاسب نیز در هنگامی که از جانب پدرش لهراسب روی خوش ندید و تاج و تخت پادشاهی به او واگذار نشد، به سرزمین هندوستان رفت (ج ۵، ابیات ۶۶-۵۸، صص ۷-۸). همچنین دو تن از پسران اردوان، آخرین پادشاه اشکانی پس از قتل پدرشان به دست اردشیر بابکان، برای در امان ماندن جانشان و دوری از زندان به هندوستان پناه بردند و در این سرزمین سکونت داشتند (ج ۶، ابیات ۱۹-۱۵، ص ۱۹۴).

روابط سیاسی نزدیکی میان ایران و هند برقرار بود تا آنجا که در اکثر نبردهای رخ داده میان ایرانیان و بیگانگان، سپاه‌یانی از سرزمین هند به منظور کمک در میان لشکریان ایران‌زمین حضور می‌یافتند؛ به غیر از چندین مورد اندک

که با دشمنان ایران متحد می‌شدند که از جمله آنها می‌توان به متحد شدن سنگل - پادشاه هند - با افراسیاب تورانی در نبرد با ایرانیانی خونخواه سیاوش اشاره کرد که در نهایت توسط رستم از پای درآمدند. همچنین در ماجرای کشته شدن رستم در کابل و نبرد فرامرز با کابلیان به خونخواهی رستم نیز سپاهسانی از هند با کمک لشکر کابلی به نبرد با فرامرز آمدند که در نهایت شکست خوردند (ج ۵، ابیات ۲۹۸-۲۷۰، صص ۴۶۳-۴۶۱).

در هنگامی که اسکندر مقدونی پس از فتح ایران به هند حمله برد، کید - پادشاه هند - با تقدیم کردن چهار گنج گرانبهای خود از جمله قدح، دخترش، پز شک و فیدسوف دربارش تسلیم او شد. فور - فرمانده سپاهیان هند - اما تسلیم اسکندر نشد و با حرکت دادن پیلان و سپاهانش به رویارویی با اسکندر آمد. اسکندر نیز با اسبان و سوارانی آهنین که درونشان را با نفت سیاه پر کرده بود، به نبرد با او پرداخت و در نهایت با به آتش کشیدن اسبان آهنین، توانست پیلان فور را سوزاند. هندیان در نبرد با دشمنانشان لشکری انبوه از پیلان را در جلوی سپاهیان برای نابودی دشمنانشان به حرکت درمی‌آوردند (ج ۶، ابیات ۵۶۲-۵۴۲، صص ۴۳-۴۲).

نخستین طغیان هندیان بر ضد ایرانیان با سرکشی سنگل از پرداختن باج به ایرانیان و باج‌خواهی او از سرزمین‌های دیگر چون چین بر ضد بهرام گور ساسانی صورت گرفت. بهرام گور نیز برای اطلاع از اوضاع سنگل به‌عنوان فرستاده شاه ایران نزد او رفت و از او خواست که تسلیم شود، اما سنگل با سرکشی خواهان نبرد با ایرانیان شد. سرانجام سنگل با توطئه فرستادن بهرام گور به نبرد با کرگدن و ازدهای هندوستان سعی در از بین بردن او داشت ولی بهرام با از میان برداشتن کرگدن و ازدها پیروز شد و با سپینود - دختر سنگل شاه هند - ازدواج کرد (ج ۶، ابیات ۲۱۸۱-۱۹۰۵، صص ۵۸۷-۵۵۹).

روابط سیاسی میان ایران و هند در عهد کسری انوشیروان بسیار نزدیک بود تا آنجا که رای - پادشاه هند - با فرستادن شطرنج به ایران، خواهان حل معمای آن شد. پادشاه هند به دنبال آن بود تا با عدم موفقیت ایرانیان در حل بازی شطرنج، از دادن باج به ایران معاف شود؛ ولی ایرانیان علاوه بر حل بازی شطرنج، بازی نرد را به هندوستان فرستادند. همچنین هنگامی که برزویه طبیب برای یافتن گیاهان دارویی از سوی کسری انوشیروان به دربار رای - پادشاه هند - رفت، رای به گرمی از او استقبال کرد (ج ۷، ابیات ۳۴۶۸-۳۳۹۲، صص ۳۶۹-۳۶۲).

از دیگر شیوه‌های نبرد هندیان حفر گودال و انداختن آب در آن بود. در نبردی میان گو و طلخند برای به دست آوردن گاه پدرشان در هندوستان صورت گرفت، سپاهیان هندی با حفر گودالی عظیم و انداختن آب در آن به نبرد با یکدیگر رفتند؛ که در نهایت با کشته شدن طلخند، گو به پادشاهی رسید (ج ۷، ابیات ۳۲۵۷-۳۲۳۶، صص ۳۵۰-۳۴۸).

در پایان می‌توان گفت که هندیان پیوسته در تاریخ از ایرانیان استقبال کرده‌اند و هیچ‌گاه به دوستی با ایرانیان پشت پا نزده‌اند. هند همیشه فضایی آرام و امنی برای ایرانیان به شمار می‌رفته است و بسیاری از ایرانیان در طول تاریخ در هنگام شرایط سخت به آنجا کوچ کرده‌اند (ناطق شریف، ۱۳۸۰: ۳۴).

## ۲-۱-۲ دیدارهای سیاسی هندیان

هندیان در اکثر دیدارهای سیاسی‌شان با بیگانگان، تسلیم آنها بوده‌اند از جمله می‌توان به دیدار پادشاه هند با گشتاسب اشاره کرد. هنگامی که گشتاسب از سوی پدرش لهراسب به جانشینی انتخاب نشد، طغیان کرد و به هند پناه برد و شاه هند به گرمی او را پذیرفت (ج ۵، ابیات ۶۶-۵۸، صص ۸-۷).

دیدار سیاسی میان کید - پادشاه هند - با رومیان، از دیگر دیدارهای سیاسی هندیان با بیگانگان بوده است. هنگامی که اسکندر به سوی هند لشکرکشی کرد، کید با قبول به پرداخت چهار گنج نایاب خود: دختر، فیدسوف و پزشک دربارش و قدح شرابش به اسکندر، تسلیم او شد. اسکندر نیز برای تأیید گفته‌های کید، نه تن از رومیان را به دربار کید فرستاد و کید علاوه بر دادن چهار گنج گرانبهایش به رومیان، هدایای دیگری از جمله درم‌ها و گوهرهای فراوانی را تقدیم کرد (ج ۶، ابیات ۳۴۱-۳۳۱، صص ۲۷).

دیدار سنگل - شاه هند - با بهرام گور ساسانی نیز از دیگر دیدارهای سیاسی هندیان با ایرانیان بوده است. سنگل در این دیدار سیاسی در برابر بهرامشاه که به عنوان فرستاده شاه ایران به دربار او رفته بود، در ابتدا با توطئه فرستادن

بهرام گور به نبرد با کرگدن و ازدها قصد هلاک او را داشت، اما در نهایت بعد از پیروزی بهرام، با دادن دخترش سپینود به بهرام گور، تسلیم ایرانیان شد. در ادامه نیز با بازگشت بهرام گور به همراه سپینود به ایران، شنگل به همراه جندل و شاهان مناطق دیگر هندوستان از جمله کشمیر و سند به دربار شاه ایران رفتند و با دادن هدایایی فراوان به شاه ایران، تسلیم‌پذیری هندیان را بر او عرضه داشتند (ج ۶، ابیات ۲۴۶۸-۲۴۱۰، صص ۶۰۵-۵۹۹).

همچنین هنگامی که برزویه طبیب از سوی کسری انوشیروان به دربار رای رفت، رای به گرمی از او پذیرایی کرد و در آن زمان که برزویه کتاب کلیله و دمنه را درخواست کرد، رای این کتاب را به منظور مطالعه در اختیار برزویه طبیب قرار داد (ج ۷، ابیات ۳۳۹۲-۳۴۶۸، صص ۳۶۹-۳۶۲).

### ۳-۱-۲ ازدواج های سیاسی

هندیان به منظور بهبود روابط سیاسی خود با سرزمین‌های دیگر به دنبال برقراری پیوند ازدواج با آنها بوده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به ازدواج دختر کید - پادشاه هند - با اسکندر اشاره کرد (ج ۶، ابیات ۳۵۱-۳۴۷، ص ۲۸). همچنین ازدواج شنگل پادشاه هند با دختر فغفور چین نیز برای بهبود روابط سیاسی میان دو سرزمین و قدرت‌یابی پادشاه هند از طریق پیوند ازدواج با چینیان بوده است (ج ۶، اب ۱۹۸۲-۱۹۷۷، صص ۵۶۵ تا ۵۶۴).

ازدواج سپینود - دختر شنگل شاه هند - با بهرام گور ساسانی از دیگر پیوندهای سیاسی بود که از سوی هندیان با ایرانیان برقرار شد. روابط سیاسی میان ایران و هند پس از طغیان نافرجام شنگل، با این ازدواج به حالت دو ستانه بازگشت (ج ۶، ابیات ۲۱۹۷-۲۱۸۱، صص ۲۸۲-۲۸۱).

### ۲-۲ تصاویر اجتماعی هندیان

#### ۱-۲-۲ مشاغل هندیان

پزشکی از جمله شغل‌های رایج در سرزمین هندوستان بود و پزشکانی حاذق در این سرزمین حضور داشتند. همچنین در سرزمین هند خردمندان و دانشمندان فراوان دیگری نیز بودند که افراسیاب تورانی در هنگام ساختن کاخ خود در بهشت کنگ، مؤبدانی از این سرزمین را نزد خود فراخواند (ج ۴، ابیات ۱۰۵۷-۱۰۵۰، صص ۲۳۸ تا ۲۳۷).

معماری و سد سازی نیز از دیگر شغل‌های رایج در میان هندیان بود و معمارانی ماهر توسط کسری انوشیروان برای ساختن سد و شارستانی عظیم و باشکوه فراخوانده شدند. علاوه بر این‌ها هندیان در حفر کانال آب نیز مهارتی کامل داشتند تا آنجا که داراب برای رساندن آب دریا به شهرها، کسانی را از سرزمین هند به این منظور گمارد (ج ۵، ابیات ۱۹-۲۲، صص ۵۱۷-۵۱۶).

منجمی و ستاره‌شناسی از دیگر مشاغل رایج هندیان بود و منجمان فراوانی با زیج‌های هندی در دربار شاهان خدمت می‌کردند تا آنجا که حتی ارد شیر بابکان برای اطلاع از آینده از منجمان و ستاره‌شناسان دربار کید - پادشاه هند - مشورت گرفت (ج ۶، ابیات ۱۸۲-۱۶۵، صص ۲۰۵-۲۰۴).

همچنین عده‌ای دیگری از مردمان هند به عنوان لوری یا لولی به آوازخوانی و دوره‌گردی مشغول بودند که توسط شاه ایران به دربار دعوت شدند تا به کشاورزی مشغول شوند. در نهایت به دلیل ناتوانی در انجام کار کشاورزی، به شغل پیشین‌شان برگشتند (ج ۶، ابیات ۲۵۶۹-۲۵۵۹، ص ۶۱۲).

سکندر بخندید و زو گشت شاد      و را گفـت : بی هند گیتی مباد  
بزشکان و اخترشناسان همه      تو گفـتی به هندوستان شد رمه  
(ج ۶، ابیات ۴۳۴-۴۳۳، ص ۳۴)

ارزش‌گذاری مثبت فردوسی نسبت به هندیان برخاسته از روابط نزدیک و دوستانه ایرانیان و هندیان بوده است و به دلیل همراهی هندیان با ایرانیان و نداشتن نبرد خصمانه با ایرانیان، فردوسی به نیکویی از آنان در شاهنامه یاد کرده است.

## ۲-۲-۲ شهرسازی هندیان

هندیان در ساختن کاخ‌هایی مرتفع و باشکوه از سیم و زر مهارت داشتند. در هنگامی که بهرام گور ساسانی پس از طغیان سنگل به صورت ناشناس به دربار او رفت، ایوانی مرتفع و باشکوه در برابر خود دید که سقف آن از بلور و ستون‌های آن از سیم و زر و گوهر ساخته شده بود.

چو نزدیک ایوان سنگل رسید	در و پرده و بارگاهش بدید
برآورده‌یی بود سر در هوا	به دربر فراوان سلیح و نوا
شگفتی بدان بارگه در بماند	دلش را بداندیشه اندر نشانند
خرامان همی رفت بهرام گور	یکی خانه دید آسمانش بلور
ازارش همه سیم و پیکرش زر	نشاند به هرجای چندین گوهر

(ج۶، ابیات ۱۹۳۴-۱۹۲۵، صص ۵۶۱-۵۶۰)

## ۲-۲-۳ مراسم ازدواج هندیان

هندیان برای فرستادن دختر به منزل داماد، کالاهای گران‌قیمت فراوانی را همراه او می‌کردند. هنگامی که کید - پادشاه هند - می‌خواست دخترش را به نزد اسکندر بفرستد به همراهش کالاهای ارزشمندی چون گوهر، دینار و سنگ‌های گران‌قیمت بسیاری فرستاد (ج۶، ابیات ۳۴۱-۳۳۳، ص ۲۷).

## ۲-۳ تصاویر مردم‌شناسی هندیان

### ۲-۳-۱ خصوصیات پادشاهان هندی

خردمندی و هوشمندی مهم‌ترین خصوصیات پادشاهان سرزمین هند بود که از جمله پادشاهان خردمند این سرزمین می‌توان به «کید» که دانشمندی آگاه بود و «رای» که با تدبیر و خردمند بود و «جمهور» که به بیداری، خردمندی و هنرمندی مشهور بود، اشاره کرد. خردمندی کید را می‌توان از حضور پز شک کارآزموده و فیلسوف دانای دربارش فهمید. تدبیر و خرد «رای» نیز از طرح بازی شطرنج برای ایرانیان و بهره بردن او از کتاب کلیله و دمنه مشخص می‌شود.

یکی شاهُند هند را نام کید	نکردی چیز از دانش و رای صید
دل بخردان داشت و مغز ردان	نشست کیان افسر موبدان

(ج۶، ابیات ۱۰۷-۱۰۶، ص ۱۱)

به دلیل برقراری روابط دوستانه ایران و هندوستان، فردوسی نسبت به پادشاهان و مردمان هند دیدی مثبت داشته و صفاتی زیبا و نیکو در وصف پادشاهان و مردمان هند در شاهنامه آورده‌است. در مجموع می‌توان گفت فردوسی تصاویر مثبتی از هندیان در شاهنامه ارائه داده است.

### ۲-۳-۲ خصوصیات دختران هندی

زیبارویی از جمله خصوصیات زنان و دختران سرزمین هند بود، که از جمله دختران زیباروی هند می‌توان به دختر بلند قامت و زیباروی کید و سپینود دختر زیباروی سنگل اشاره کرد.

از آن پس فرستاده را شاه گفت	که من دختری دارم اندر نهفت
که گر بیندش آفتاب بلند	شود تیره از روی آن ارجمند
کمندست گیسوش، هم رنگ قیر	همی آید از دو لیش بوی شیر
خم آرد ز بالای او سروب	در افشان کند چون سراید سخن
سپهد نژادست و یزدان پرست	دل و شرم و پرهیز دارد به دست

(ج۶، ابیات ۲۷۴-۲۷۲، ص ۲۳)

### ۳-۳-۲ خصوصیات مردمان هندی

حضور پزشکان و منجمان کاردان در هند بیانگر دانایی هندیان بوده است. کید علاوه بر دادن چهار گنج گرانبهایش به اسکندر، صد تن از دانایان هند را با آنها فرستاد.

گزین کرد پیران صد از هندوان	خردمند و گویا و روشن‌روان
در گنج بی‌رنج بگشاد شاه	گزین کرد از آن یاره و تاج و گاه
فغستان ببارید خونین سرشک	همی رفت با فیلسوف و بزشک
قدح همچنان نامداری به دست	همه سرشکان از می جام مست

(ج ۶، ابیات ۳۴۱-۳۳۳، ص ۲۷)

### ۴-۲ تصاویر جغرافیایی هندیان

#### ۱-۴-۲ مناظر طبیعی هندوستان

کوه البرز که جایگاه بالیدن دو پهلوان بزرگ شاهنامه فریدون و زال بود، از جمله مناظر طبیعی سرزمین هندوستان به‌شمار می‌رفت. همچنین در سرزمین هندوستان انواع درختان و گیاهان دارویی و معطر از جمله درختان «عود»، «کافور» و گیاه «هلاهل» که زهری کشنده دارد، نیز در آن یافت می‌شد. علاوه بر همه این‌ها در سرزمین هندوستان انواع معادن جواهرات و سنگهای قیمتی نیز وجود داشت. دریای هند و چشمه‌های فراوان آن از جمله رود «سند» و «گنگ» نیز از دیگر مناظر طبیعی و جغرافیایی هندوستان به‌حساب می‌آمد.

همه کوه و دریا و گوهر مراست	به من دارد اکنون جهان پشت راست
همان چشمه‌ی عنبر و عود و مشک	وگر رنج کافور ناگشته خشک
دگر داروی مردم دردمند	به روی زمین هر که گردد نژند
همه بوم ما را ازینسان پرست	اگر رستنی است، اگر گوهرست
همه بوم را گرد دریاست راه	نسازد برین خاک بر دیو گاه

(ج ۶، ابیات ۱۹۷۴-۱۹۶۹، ص ۵۶۴)

#### ۲-۴-۲ حیوانات هندوستان

«سیمرغ»، مرغ افسانه‌ای شاهنامه که کنام آن در البرزکوه هندوستان بود، را می‌توان از جمله حیوانات سرزمین هند به‌شمار آورد. «پیل» مهم‌ترین حیوانی است که در سرزمین هندوستان زندگی می‌کرد و هندیان در نبردهای شان از آن بهره می‌بردند. «گرگ» یا «کرگدن» از دیگر حیوانات مهم سرزمین هندوستان بود که در شاهنامه به آن اشاره شده است. «آهو» نیز از دیگر حیوانات سرزمین هندوستان بود که از آن مشک هندی تهیه می‌شد.

یکی کرگ بود اندر آن شهر شاه	ز بالای او بسته بر باد راه
یکایک همه هند ازو بر خروش	از آواز او کمر شدی تیزگوش

(ج ۶، ابیات ۲۰۸۳-۲۰۸۱، ص ۵۷۲)

### ۵-۲ تصاویر مذهبی هندیان

بت‌پرستی از جمله آیین‌های رایج در سرزمین هندوستان بود. هندیان بت‌پرست در عهد پادشاهی گشتاسب با پذیرش آیین زردشتی از اسفندیار باژ را از سرزمینشان برداشتند (ج ۵، ابیات ۸۴۷-۸۳۵، ص ۱۵۴-۱۵۳).

همچنین آیین برهمنی از دیگر آیین‌های رایج در سرزمین هندوستان بود که پیروان آن را هندو و پیشوایان مذهبی آنان را برهمنان می‌خواندند. آیین هندو در قدیم دین برهمنی خوانده می‌شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می‌کند و امروزه پیروان این آیین را «هندو» می‌نامند. هندویان بر این باور معتقد بودند که با سوختن مردگان در آتش، گناهان آنان پاک خواهد شد. آنها همچنین علاوه بر سوزاندن مردگانشان، بازماندگان فرد متوفی را نیز در آتش به همراه او می‌سوزاندند. در هنگامی که خیر مرگ طلخند را به مادرش رساندند، او با به آتش کشیدن کاخ می‌خواست خود را نیز در آتش بسوزاند (ج ۷، ابیات ۳۳۱۴-۳۳۰۹، ص ۳۵۵-۳۵۴).

پرسید قیصر که هندو ز راه  
چنین گفت خرد برزین که راه  
هر آنکس که او آتشی برفروخت  
یکی آتشی دید اندر هوا  
که دانای هندوش خواند اثر  
چنین گفت کآتش به آتش رسید  
از آن ناگزیر آتش افروختن

همی تا کجا برکشد پایگاه  
به هند اندرون گاو شاهست و ماه  
شد اندر میان خویشتن را بسوخت  
به فرمان یزدان فرمانروا  
سخنهای چرب آرد و دلپذیر  
گناهی ز کردار شد ناپدید  
همه راستی دانند آن سوختن  
(ج ۸، ابیات ۱۴۷۰-۱۴۶۶، ص ۱۱۲)

## ۶-۲ تصاویر اقتصادی هندیان

پادشاهان سرزمین هندوستان با وجود معادن جواهرات و سنگهای قیمتی فراوان و گنجینه‌های ارزشمند متعددی که در سرزمینشان وجود داشت، از لحاظ اقتصادی در رفاه کامل بودند.

کسی باژ خواهد ز هندوستان  
نهفته همه بوم گنج من است  
در گنج برگستوان و زره  
به پیلانش باید کشیدن کلید

نباشم ز گوینده همداستان  
نیاکان بدو هیچ نابرده دست  
چو گنجور ما برگشاید گره  
اگر زنده پیلش تواند کشید  
(ج ۶، ابیات ۱۹۶۶-۱۹۵۶، ص ۵۶۳)

### ۱-۶-۲ تولیدات هندیان

ساختن ابزار و آلات جنگی از مهم‌ترین صنایع سرزمین هند بوده است. مشهورترین تولیدات هندیان «تیغ»، «خنجر»، «شمشیر هندی» و «زنگ»، «سنج» و «درای» هندی بود. پارچه‌بافی و نساجی نیز از دیگر صنایع سرزمین هند است. از جمله مهم‌ترین تولیدات هندیان «پرنده (پارچه ابریشمی هندی)»، «چتر هندی»، «شاره» و «دستار هندی» بود.

جدول ۱: توضیحات جدول

تصاویر هندیان	تصاویر مثبت هندیان	تصاویر منفی هندیان	جمع تصاویر مثبت و منفی
تصاویر سیاسی	پناهگاه ایرانیان، بالیدن ایرانیان در هند، همراهی هندیان با لشکریان ایران، امنیت ایرانیان در هند، تسلیم‌پذیری شاهان هند، برخورد نیکوی شاهان هند، لشکریان انبوه شاهان هند، مشورت‌گیری شاهان ایران از شاهان هند، فریادرسی شاهان هند به ایرانیان، نامه‌های دوستانه شاهان ایران، سازش‌پذیری هندیان، وفای به عهد و پیمان، نداشتن درگیری و خصومت، باجگزاری هندیان به ایرانیان، استقبال درخور پادشاهان هند از بیگانگان، بخشندگی شاهان هند در دادن هدیه به شاهان ایران، تبعیض محض شاهان هند، روابط دوستانه هندیان با شاهان ایران، غمخواری شاهان هند برای پادشاهان ایران، دراختیار گذاشتن کتاب کلیله	سرکشی شنگل شاه هند در همراهی با تورانیان، گردنکشی شنگل شاه هند با باژخواهی از سران دیگر ممالک، نیرنگ شنگل شاه هند در ارتباط با بهرامشاه	۱۹ مثبت ۳ منفی
تصاویر مردم‌شناسی	زاد مرد، نیکخواه، نامدار، هنرمند، فرهنگ‌جوی، هوشمند، دانش‌پژوه، مایه‌ور، دارای فره، مغز ردان، گویا، ماه‌رویان هندی، فریادرس، نیک‌اختر، جوینده راه، سازش‌پذیر، خوش‌رویی، روشن روان، سخنور، فرمانبردار، حمایت‌گر، شایستگی، دانا، هشیوار، بی‌گزند، نیکو	خودکامه	۲۶ مثبت ۱ منفی
تصاویر اجتماعی	تبحر هندیان در پزشکی و اخترشناسی، ساختن آبادی و شهرها به دست خردمندان هند، کاخ مجلل شاهان هند، رواج علوم و فنون مختلف در هند، رواج انواع مشاغل در هند، شگفتی‌های سرزمین هند، ابداع بازی شطرنج در هند	-	۷ مثبت ۰ منفی



تصاویر جغرافیایی	فراوانی انواع گیاهان دارویی و بومی‌دنی در هندوستان، وجود مناظر طبیعی متنوع و فراوان هندوستان، تنوع حیوانات، معادن گوهر فراوان	-	۴ مثبت ۰ منفی
تصاویر اقتصادی	وجود گنجینه‌ها و معادن ارزشمند فراوان در سرزمین هندوستان، گنج و دینارهای فراوان شاهان هند، تولیدات فراوان هندیان	-	۳ مثبت ۰ منفی
تصاویر مذهبی	-	بت پرست، سوزاندن مردگان	۰ مثبت ۲ منفی
جمع کل شاخص‌های مثبت و منفی هندیان در تصاویر مختلف			
۵۹ مثبت ۶ منفی			

### ۳. نتیجه

فردوسی به هندیان از منظرهای گوناگونی نگریسته و تصویرهای مختلفی از آنان در شاهنامه ارائه داده است. تعداد نبردهای هر قوم در شاهنامه نشان‌دهنده میزان دشمنی آنان با ایرانیان بوده و از آنجایی که هندیان هیچ نبرد مستقیمی با ایرانیان نداشته‌اند، دوست‌ترین قوم نسبت به ایرانیان بوده‌اند. نگرش مثبت فردوسی به اقوام از روابط مسالمت‌آمیز آنان با ایرانیان و یاری‌رساندن آنان در مواقع خطر به ایرانیان تأثیر گرفته است. از این روی هندیان به دلیل نداشتن رابطه خصمانه و برقراری ارتباط دوستانه با ایرانیان با ۵۹ تصویر مثبت، مثبت‌ترین قوم در شاهنامه بوده‌اند.

### منابع

۱. انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۶)، «شگرد تصویرسازی از دیدگاه ادبیات تطبیقی»، *مجله فلسفه و کلام*، ش ۱۲، صص ۷۳-۸۲.
۲. جعفری، علی‌اکبر؛ پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «چین در شاهنامه فردوسی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ش ۴، زمستان، صص ۷۲-۵۹.
۳. *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۴۰)، مؤلف ناشناس، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. دزفولیان راد، کاظم؛ امن‌خانی، عیسی (۱۳۸۸)، «مقاله «دیگری» و نقش آن در داستان‌های شاهنامه»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۳، تابستان، صص ۲۳-۱.
۵. سرآمی، قدمعلی (۱۳۸۸)، *از رنگ گل تا زنج خار، شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. شیوا، امید (۱۳۹۲)، «توران و تورانیان در شاهنامه فردوسی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی خراسان بزرگ*، ش ۱۲، پاییز، صص ۳۷-۴۵.
۷. طاهری خسروشاهی، محمد (۱۳۸۴)، «بحثی در هویت تورانیان»، *فصلنامه دانشگاه تربیت معلم آذربایجان*، ش ۶، زمستان، صص ۸۱-۹۷.
۸. طایفی، شیرزاد؛ کوی، بوبین؛ پورشبانان، علیرضا؛ (۱۳۸۹)، «چین در منشور شعر فارسی»، *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی (گوهر گویا)*، س ۴، ش ۳، صص ۱۶۰-۱۳۷.
۹. غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳)، *ادبیات تطبیقی*، ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: امیرکبیر.
۱۰. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق (۸ جلد)، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. فخراسلام، بتول؛ بیرمی، حانیه (۱۳۸۷)، «مازندران در شاهنامه»، *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، صص ۷۰-۸۶.

۱۲. قبول، احسان (۱۳۸۹)، «بررسی کارکردهای نمادین رومیان در مثنوی مولانا»، *مولوی پژوهی*، صص ۱۱۱-۱۰۹.
۱۳. قبول، احسان؛ رادمرد، عبدالله؛ عابدی، تکتیم (۱۳۹۷)، «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن فضلان»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۰، ش ۱، صص ۹۷-۱۱۳.
۱۴. کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *جغرافیای سیاسی در شاهنامه فردوسی*، تهران: انتشارات کویر.
۱۵. ناطق شریف، مریم (۱۳۸۰)، «پیوند ایران و هند در آیین شاهنامه»، *نامه پارسی*، س ۶، ش ۴، صص ۳۵-۲۳.
۱۶. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تصویرشناسی»، *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*، مهر، ش ۱۲، صص ۱۳۸-۱۱۹.
۱۷. نانکت، لاتیشا (۱۳۹۰)، «تصویرشناسی به منزله خوانش متون معاصر فرانسه و فارسی»، *ترجمه مزده دقیقی، مجله ادبیات تطبیقی*، بهار، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۱۰.
۱۸. محسنی، مرتضی؛ ابوالحسنی، علی؛ سیاه‌رود کلایی، صدیقه (۱۳۹۵)، «تصویرشناسی «بیگانه» در شاهنامه با تکیه بر کلیشه‌پردازی»، *مجله پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ش ۱، بهار، صص ۱۴۷-۱۲۳.
۱۹. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی سروش.
۲۰. یوسفی، هادی؛ مدبری، محمود؛ صرفی، محمدرضا؛ طالبیان یحیی (۱۳۸۶)، «ضد قهرمان در شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی ایران»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)*، ش ۴، صص ۶۰-۳۹.

ترجمه انگلیسی منابع:

- 1- Abul-Qasem Ferdowsi, *Shahnameh*, correction Jalal khaleghie motlag, Tehran
- 2- Abolfazl Kavendy Kateb (2015), *Political Geography in Ferdowsi's Shahnameh*, Tehran
- 3-Ali Akbar Jafary, Hamid Reza Pashazanus (2013), "China in Ferdowsi's *Shahnameh*", *journal of Persian literature text identification*, volume(4), pp 59-72
- 4- Ali Reza Anoshiravani (2017), "Imaging Methods from the Perspective of Comparative Literature", *journal of philosophe and theology*, volume(12), pp 73-89
- 5- Batool Fakhra Islam, Hanieh Beyramy (2008), "Mazandran in *Shahnameh*", *Persian literature journal of Islamic Azad University*, pp 70-86
- 6- Bahman Namvar Motlagh (2009), "An Introduction to Imagology", *journal of comparative literature studies*, volume(12), pp 119-138
- 7- Ehsan Ghabool (2010), "Investigating the symbolic functions of the Romans in Rumi's *Masnavi*", *Rumi research journal*, pp 109-111
- 8- Ehsan Ghabool, Abdullah Radmard, Taktam Abedi (2018), "The Imagology of women in Ibn-e Fazlan Travelgues", *journal of woman in culture and art*, volume(10), pp 97-113
- 9- Ghadam-Ali Sarami (2009), *From The Color Of Flower TO The Sting Of Thorn*, Tehran, Iran
- 10- Hadi Yosefi, Mohammad Reza Sarfy, Yahya Talebyan(2007), "The Anti-hero in the *Shahnameh* and the Iran's Champion poems", *journal of mystical literature*, volume(4), pp 39-60
- 11- *Hudud al-Alam min al-Mashriq ilal-Maghrib*, unknown author, Correction by Manuchehr Sotudeh, Tehran
- 12- Kazem Dezfulian Rad, Isa Amn Khany, "Another and it's Role in Ferdowsi's *Shahnameh*", *journal of Persian language and literature*, volume(13), pp 1-23
- 13- Latisha Nanket (2010), "Imagology as the Reading of Contemporary French and Persian Texts, translation by Mozdeh Daqiqi", *journal of comparative literature*, volume(3), pp 110-115
- 14- Maryam Nategh Sharif (2001), "Connection Iran and India in Ferdowsi's *Shahnameh*", *journal of Persian letter*, volume(4), pp 23-35
- 15- Mohammad Ghnnimi Helal (1994), *Comparative Literature*, translation by Morteza Ayatollahzadeh Shirazi, Tehran
- 16- Mohammad Tahery Khosroshahi (2005), "A Discussion of the Turanian Identity", *journal of Teacher Training University of Azerbaijan*, volume(6), pp 81-97

17- Mohammad Jafar Yahaghi (1990), *Culture of Myths and Fictional Mentions in Persian literature*, Tehran

18- Morteza Mohseni, Ali Abul Hassani, Sedigheh Siah Rood Kalaiy (2016), "Foreign Imagology in *Shahnameh* Based on Stereotyping", *journal of comparative literature research*, volume(1), pp 123-147

19- Omid Shiva (2013), "Turan and Turanian in Ferdowsi's *Shahnameh*", *journal of the great Khorsan*, volume(12), pp 37-45

20- Shirzad Taifi, Kui Boyin, Alireza poorShabanan (2010), "China in the Prism of Persian Poetry", *journal of Persian language and literature*, volume(4), pp 137-160



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)